

پاسخ ایران به اسرائیل و تحولات پس از آن

رضا حقیقی
کارشناس مسائل
بین‌الملل

پشتوانه‌ی «طرفیت دیپلماتیک و توان چانه‌زنی» هر کشوری در مناسبات بین‌المللی، «قدرت نظامی» آن کشور است. برآورد قدرت نظامی کشورها از یکدیگر نیز لزوماً در صحنه‌ی عملیاتی جنگ و رودرویی نظامی فرسایشی به‌دست نمی‌آید. گاه «نمایش قدرت» و «قدرت‌نمایی» در قالب یک یا چند حرکت دفاعی و با هدف ارسال سیگنال هشدار و نشان دادن ظرفیت بازدارندگی، جایگاه یک کشور را در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای تثبیت نموده و یا موقعیت آن را ارتقاء می‌دهد. از این منظر تردیدی وجود ندارد که حمله‌ی پهبادی-موشکی ۲۶ فروردین‌ماه، تصویر روشن‌تری از موقعیت ایران در منطقه و جهان به‌دست داد و گمانه‌زنی‌ها را به یقین تبدیل کرد. لذا من بعد و پیش از دو رویداد مهم: «یکی نسل‌کشی بی‌سابقه‌ی رژیم صهیونیستی در غزه در برابر چشمان جهانیان و سکوت شرم‌آور مدعیان غربی حقوق بشر» و دیگری «عملیات نظامی بازدارنده اخیر»، دست دیپلمات‌های ایرانی و دستگاه دیپلماسی در پای میز مذاکره در هر زمینه‌ای بازتر خواهد بود، لذا اگر چه طبیعتاً در موج‌های نخست اقدام غرب در مقابل رخداد اخیر، شاهد نوعی رویکرد تهاجمی خواهیم بود اما در افقی درازمدت طرف مقابل در همه‌ی ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و جهانی ناگزیر خواهد بود جایگاه ایران را به‌عنوان یک کنشگر بسیار مهم، به مراتب بیش از پیش لحاظ کند. پشتوانه‌ی «قدرت نظامی» هر کشور فارغ از مؤلفه‌های سخت‌افزاری و ظرفیت‌های علمی، تکنولوژیکی در حوزه‌ی دفاعی، «پشتیبانی مردمی و سرمایه‌های اجتماعی» است. برای حفظ این سرمایه‌ی گرانبها و تقویت آن، میزان رضایتمندی و احساس مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها توسط آحاد مردم بسیار حائز اهمیت است. در خصوص شاخص رضایتمندی؛ وضعیت اقتصادی و معیشتی و کاهش چالش‌ها، تنش‌های فرهنگی، اجتماعی و میزان کارآمدی دولت و سلامت دولتمردان و در بُعد دوم یعنی: «مشارکت» که بیشتر صبغه‌ی سیاسی دارد، وجود حس همدلی و دیده شدن آحاد جامعه در تصمیم‌سازی‌ها بسیار مهم هستند. «نمایش قدرت اخیر» که پس از ماه‌ها جز خوانی و خط و نشان کشیدن‌های رژیم جنایتکار صهیونیستی به رخ رهبران آن و جهانیان کشیده شد، در کنار مؤلفه‌های دوگانه‌ی پیش گفته است که حس همدلی در جامعه را تقویت خواهد کرد. طبیعی است که در عرصه‌ی دیپلماسی نیز همراهی مردم، ظرفیت و توان مذاکره و چانه‌زنی را بالا خواهد برد. بدون شک هر اقدامی که منجر به تشدید وضعیت دوخطی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه در وضعیت عادی (و نه در زمان رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی) و افزایش شکاف‌های داخلی شود، آفت این همدلی خواهد بود. رژیم بحران‌زده به تداوم بحران نیاز دارد. چنانچه در ادامه، نزاع وارد فاز پینگ‌پنگی شود، طبعاً ایران با اختلاف فاز کمتری نسبت به قبل واکنش نشان خواهد داد. در عین حال بعید به نظر می‌رسد حتی در صورت تکرار حملات طرفین، درگیری‌ها مسیر تصاعدی پیدا کند و وارد خط تهاجمی‌تر، در مقیاسی گسترده‌تر شود. اسرائیل با چنانیاتی که مرتکب شده به لحاظ سیاسی حتی در میان حامیان خود دچار بحران است. ایران باید در عرصه‌ی دیپلماتیک از شکاف حادث‌شده میان هیئت حاکمه‌ی آمریکا و رژیم صهیونیستی نهایت بهره‌برداری را بکند و سطح مراودات دیپلماتیک را حتی با دولت‌های غربی همراه با رژیم بالا ببرد. ارزیابی‌ها از توان موشکی و نظامی در دو حوزه‌ی آفندی و پدافندی و قدرت بازدارندگی کشور پس از عملیات ۲۶ فروردین‌ماه در محافل داخلی و خارجی، هر چه باشد، یک واقعیت را به‌هیچ وجه نمی‌توان کتمان کرد و آن اینکه: «آمریکا، بریتانیا و متحدان غربی و عربی اسرائیل تمام‌قد در برابر این عملیات ایستادند» و لذا رویارویی نظامی ۲۶ فروردین‌ماه، مقابله‌ی یک قدرت منطقه‌ای به تنهایی در برابر چندین قدرت غربی مدعی بود و لذا هر اراده‌ای که با هر استدلالی و هر هدفی بخواهد موفق بودن این عملیات را به چالش بکشد، بر حقیقت نامتوازن بودن و ظرفیت بازدارندگی آن نمی‌تواند در‌های خندش‌وارد کند. لذا از این حیث -و با لحاظ داشتن امکان وقوع سناریوی مشابهی در قلمرو جغرافیایی محدود به همسایگان و حوزه‌ی خلیج فارس- بدون وجود سامانه‌های دفاعی چند لایه غربی در کنار گنبد آهنین، برتری نظامی ایران و تغییر معادلات و توازن منطقه‌ای پس از تحولات ۲۶ فروردین‌ماه انکارناپذیر است. ادبیات غرب در ۲۶ فروردین‌ماه عملیات پهبادی-موشکی ایران سبب‌شد تهاجماتکاری عملیات پهبادی-موشکی ایران مشروع را بهانه کند از این‌رو در سپهر سیاسی نیز کاملاً در مسیر تقویت خوی تجاوزه‌کارانه‌ی اسرائیل گام برمی‌دارد.



زمان چیدن میوه پاسخ نظامی ایران

جاوید قربان اوغلی: اگر حمله اسرائیل در همین حد بماند، منازعه تمام شده است



شهاب شهسواری

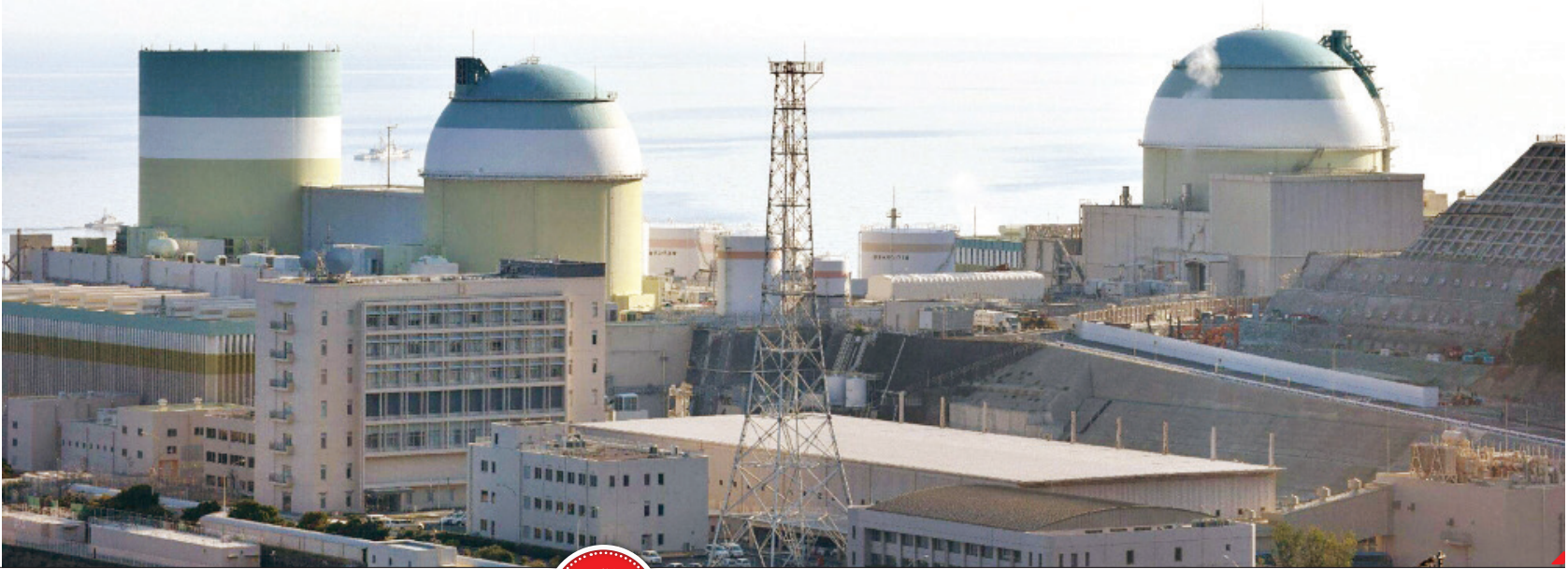
خبرنگار گروه دیپلماسی

بامداد جمعه شنیده شدن صدای انفجارهایی در اصفهان، باعث انتشار خبرهایی در مورد اقدام تلافی‌جویانه اسرائیل علیه ایران پس از اقدام نظامی شنبه گذشته ایران در پاسخ به هدف قرار گرفتن کنسول گری‌اش در دمشق توسط اسرائیل بود. مقام‌های ایرانی صبح جمعه اعلام کردند که حمله به اصفهان در سطح بسیار کوچک و با چند ریزپرنده انجام شده و پدافند ایران این حمله را دفع کرده است. جاوید قربان اوغلی، سفیر پیشین ایران در آفریقای جنوبی معتقد است که اگر حمله اسرائیل در همین حد باقی بماند، ایران پاسخی به آن نخواهد داد و منازعه‌ای که با حمله اسرائیل به کنسول گری ایران در دمشق آغاز شد، پایان خواهد گرفت؛ هرچند اسرائیل دست از عملیات خرابکارانه، ایدایی و حمله به گروه‌های منتسب به ایران نخواهد کشید. قربان اوغلی می‌گوید که وقت آن رسیده است که ایران پس از نشان دادن توان نظامی خودش، مذاکره با غرب را برای بهره‌برداری از این قدرت آغاز کند. در ادامه متن کامل گفت‌وگو «هم‌میهن» را با جاوید قربان اوغلی، دیپلمات بازنشسته، مطالعه می‌کنید.

گسترده‌تر میان ایران و اسرائیل شود. ماهیت امتیازهایی که دولت‌های غربی برای جلوگیری از جنگ گسترده منطقه‌ای به اسرائیل وعده داده‌اند، چیست؟ گمانه‌زنی‌هایی در این مورد وجود دارد. مثلاً موضوع اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران یکی از این امتیازها است. مسئله گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی کشورهای غربی به پیروی از آمریکا، یکی دیگر از خواسته‌های اسرائیل است که البته وقوع آن تقریباً محال است. جوزف بولر، نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا پیش از این گفته بود که چنین اقدامی نیازمند حکم قطعی یک دادگاه اروپایی است که چنین حکمی وجود ندارد. اساساً کشورهای مستقل که با ایران تعامل دارند، از چنین اقدامی استقبال نمی‌کنند، چون سپاه پاسداران نیروی نظامی رسمی ایران است. اما تحریم‌های گسترده‌تر امکان‌پذیر است؛ از جمله ممکن است که برخی واحدهای سپاه و گروهی از فرماندهان ارشد نظامی در فهرست‌های

با توجه به تأیید مقام‌های ایرانی در مورد حمله بامداد جمعه در استان اصفهان، اگر فرض کنیم که این واقعه امنیتی پاسخ اسرائیل به اقدام نظامی شنبه گذشته ایران به اسرائیل در واکنش به حمله به کنسول گری خود در دمشق باشد، به اعتقاد شما چرا اسرائیل چنین نوع حمله‌ای را برای پاسخ به ایران انتخاب کرد؟

تقریباً قطعی بود که اسرائیل قصد دارد یک اقدام نظامی در واکنش به اقدام نظامی ایران نشان بدهد. مقام‌های اسرائیلی این موضوع را به هم‌پیمانان غربی خود اعلام کرده بودند. به‌رغم اینکه آمریکا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و بریتانیا تلاش می‌کردند جلوی هرگونه اقدام را از سوی اسرائیل بگیرند، اما اسرائیلی‌ها تصمیم قطعی خودشان را گرفته بودند. تصور من این است که متحدان غربی اسرائیل توانسته باشند مقام‌های اسرائیل را با دادن امتیازهایی قانع بکنند که واکنش انتقامی اسرائیل نباید به گونه‌ای باشد که منجر به شعله‌ور شدن جنگی



اینکه، حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق، یک حرکت غیرمنتظره و بسیار تنش‌آمیز بود و در اقدام یعنی اسرائیل از خط قرمز عبور کرده و تضمینی هم نیست که در آینده دوباره از این خط قرمز عبور نکنند. دوم اینکه، پاسخ موشکی و پهبادی ایران به اسرائیل در هر صورت آسیب محدودی وارد کرده و در عین حال باعث شده یک ائتلاف نظامی در حمایت از اسرائیل شکل بگیرد و این ائتلاف نظامی ممکن است ادراک تهدید در ایران را افزایش دهد. مورد سوم که بسیار مهم‌تر است شکل اقدام اسرائیل در واکنش به پاسخ ایران است. این شکل از پاسخ می‌تواند ذهنیت استراتژیست‌ها و سیاست‌گذاران ایران را شکل بدهد. تا به اینجا کار اقدام اسرائیل بسیار ناچیز و در حد ارسال ریزپرنده بوده اما مهم این است که این اقدام در استان اصفهان که خانه برخی از مهم‌ترین تأسیسات هسته‌ای ایران است، انجام شده است. باید دید که استراتژیست‌های نظامی کشور از این اقدام چه برداشت و دریافتی دارند. البته ایران اعلام کرده که به همه اهداف خود در پاسخ به اسرائیل رسیده، اما واقعیت این است که ممکن است این دور از تنش‌ها به پایان رسیده باشد، اما داستان کلی هنوز به پایان نرسیده است چرا که این دور از تنش، قاعده‌ای جدید برای دو طرف برقرار کرد که ابزارهایی جدید در اختیار هر یک از طرفین قرار می‌دهد.

در قاعده جدید بازی، رویارویی، مستقیم شده است. در رویارویی مستقیم، نیروهای مورد حمایت ایران در منطقه لزوماً نمی‌توانند آن سطح از بازدارندگی که ایران به آن نیاز دارد را برآورده کنند. اگر سیکل کلی رویارویی به این شکل پیش برود، ممکن است ایران به دنبال ابزار قدرتمندتری برای تقویت بازدارندگی خود باشد. البته قابلیت‌های نظامی هسته‌ای بر خلاف تصور معمول در مقابل عملیات نظامی متعارف بازدارندگی محدودی دارند چرا که براساس دکترین‌های هسته‌ای، کشورها در مقابل حمله متعارف از سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌کنند. بنابراین ایران می‌تواند گزینه دیگری هم داشته باشد. ممکن است ایران به این فکر کند که اگر بخواهد وارد یک درگیری بزرگ منطقه‌ای نشود و ثبات خودش را حفظ کند و در عین حال علیه اسرائیل و آمریکا طوری اقدام کند که سیکل حمله‌های پینگ‌پنگی ایجاد نشود، ممکن است یکی از راه‌های آن، سرعت دادن به غنی‌سازی اورانیوم باشد؛ ممکن است به سمت سلاح هسته‌ای نرود اما سرعت غنی‌سازی را افزایش دهد. یکی از معانی هشدار سردار حق طلب می‌تواند این اقدام باشد.

این گزینه ممکن است تا حدودی بتواند بازدارندگی‌ای که ایران می‌خواهد را تأمین کند. ایران پیشتر هم از این گزینه استفاده کرده است. بعد از ترور دکتر فخری‌زاده، ایران سرعت و سطح غنی‌سازی را بیشتر کرد. یک سال بعد از آن نیز وقتی که اسرائیل در تأسیسات هسته‌ای نطنز دست به خرابکاری زد، ایران غنی‌سازی ۶۰ درصدی را آغاز کرد.

برخی از تحلیلگران معتقدند که یکی از راه‌های بازدارندگی در مقابل اسرائیل این است که ایران پیاده‌ها و موشک‌های دقیق و پیشرفته‌اش را در اختیار گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه قرار دهد. به نظر نمی‌رسد که این اقدام ایده خوبی باشد، چرا که اگر ایران دست به چنین کاری زند، عراقی و سوریه به به اهدافی واضح برای اسرائیل تبدیل می‌شوند و اسرائیل این توان و انگیزه را دارد تا این زرادخانه‌ها را

معنای هشدار هسته‌ای ایران به اسرائیل

بررسی هشدار سردار حق طلب در خصوص امکان تغییر سیاست ایران در بحث هسته‌ای



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و
بین‌الملل

سردار احمد حق طلب، فرمانده سپاه حفاظت و امنیت مراکز هسته‌ای ایران چند ساعت قبل از اقدام ایدایی و خرابکارانه اسرائیل در خاک ایران، هشدار داد که اگر اسرائیل بخواهد از تهدید حمله کردن به مراکز هسته‌ای ایران به‌عنوان اهرم فشار به ایران استفاده کند، تجدیدنظر در دکترین و سیاست‌های هسته‌ای ایران و عدول از ملاحظات قبلی قابل تصور است. این هشدار از دو جهت حائز اهمیت است؛ اول اینکه، این هشدار از یک مقام نظامی و نه دیپلماتیک بیان شده و دوم اینکه، این سخن با این درجه از صراحت و در این سطح و به‌صورت رسمی، برای نخستین بار است که مطرح می‌شود. احتمال دیگری نیز وجود دارد؛ با توجه به اینکه این هشدار ساعتی قبل از اقدام اسرائیل انجام شده و اقدام اسرائیل نیز در اصفهان انجام شده که خانه برخی از تأسیسات هسته‌ای ایران است، ممکن است ایران از طریق برخی کانال‌های محرمانه از قصد کلی اسرائیل مطلع شده باشد و در نتیجه چنین هشدارِی نیز بیان شده باشد.

به هر حال طی روزهای گذشته برخی از تحلیلگران این مسئله را مطرح کرده بودند که در صورت اقدام نامناسب اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و یا حمله شدید اسرائیل، ممکن است ایران در پاسخ به سمت تسریع برنامه هسته‌ای و حرکت به سمت هسته‌ای شدن با هدف تقویت بازدارندگی خود برود. صرف بیان چنین هشدارِی از سوی سردار حق طلب و همچنین هشدار بر برخی کشورها نظیر چین و روسیه و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص خطرناک بودن حمله به تأسیسات هسته‌ای در خاورمیانه، ذهن‌ها را به این سمت سوق می‌دهد که ممکن است اسرائیلی‌ها طی روزهای اخیر درباره گزینه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به‌عنوان یک گزینه‌رو میز بحث کرده باشند.

از زمان وقوع جنگ در غزه و با توجه به بحران‌هایی که در منطقه ایجاد شده، آمریکا و اسرائیل به واسطه مشغولیت‌های فوری‌تری که داشته‌اند، توجهی به برنامه هسته‌ای ایران نشان ندادند. البته ایران نیز در همین بازه زمانی، اندکی از سرعت غنی‌سازی خودش کاست و این مسئله در رسانه‌های بین‌المللی نیز منتشر شد. این اقدام

به‌خصوص بعد از تنش شدید بین ایران و آمریکا پس از کشته شدن سه سرباز آمریکایی در پایگاهی در اردن انجام شد. آن اتفاق باعث شد که نیروی هوایی آمریکا کمپینی چندروزه برای هدف گرفتن مواضع نیروی مورد حمایت ایران در عراق و سوریه صورت دهد. هر چند ایران سرعت غنی‌سازی را کاهش داده اما ذخایر اورانیوم ایران همچنان به جای خود باقی است. آخرین گزارش فصلی آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران می‌گوید که ایران تا ۱۰ فوریه کمی بیشتر از ۵ هزار و ۵۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ذخیره کرده است. از این میزان، ۱۲۳ کیلوگرم غنی ۶۰ درصد دارد. روی کاغذ این مقدار اورانیوم ۶۰ درصد برای ساخت ۳ بمب هسته‌ای کفایت می‌کند. البته ایران اگر بخواهد چنین کاری انجام دهد ابتدا باید این اورانیوم را اول تا ۹۰ درصد غنی کند. نتایج‌های می‌گوید که ایران مسلح به سلاح هسته‌ای برای اسرائیلی که وسعتش ۷۵ برابر از ایران کمتر است، یک تهدید موجودیتی است. در شرایط فعلی می‌توان پیش‌بینی کرد که از این پس توجه آمریکا، اسرائیل و اروپا به برنامه هسته‌ای ایران بیش از گذشته خواهد شد. چرا که از نظر آنها، ایران با پاسخ به اسرائیل ثابت کرد که اگر بخواهد انگیزه و توان حمله نظامی مستقیم به اسرائیل را دارد و حتی حاضر است در صورتی که مجبور شود این کار را انجام داده و ریسک یک درگیری بزرگ احتمالی را نیز بپذیرد. از نظر برخی تحلیلگران، اگر ایران به سمت بر خورداری از سلاح هسته‌ای هل داده شود و یا اینکه حداقل استراتژی ابهام هسته‌ای را در پیش بگیرد، آن وقت ریسک درگیری با چنین ایرانی بیشتر شده و ایران احتمالاً بازدارندگی بیشتری خواهد داشت.

اگر چه پاسخ ایران به اسرائیل طوری طراحی شده بود که خسارات شدیدی وارد نکند، اما قوانین پیشین رویارویی دو طرف را کنار گذاشت و حالا نرم جدیدی در رویارویی دو طرف در جریان است. تا پیش از این، معمولاً نیروهای مورد حمایت ایران، اسرائیل را هدف قرار می‌دادند اما این بار ایران مستقیم دست به اقدام زد؛ هر چند که ایران خودش اعلام کرده که قصد داشته پاسخی محدود صورت دهد. اما در اینجا ریسک یک اشتباه محاسباتی نیز وجود دارد و میزان این ریسک به شکل درک اسرائیل از توان موشکی ایران مربوط می‌شود. اگر اسرائیلی‌ها به اشتباه این طور باور کنند که توان موشکی ایران در همین حد است و اگر باور کنند که می‌توانند در مقابل این حملات از خود دفاع کنند، در آن صورت ممکن است در آینده و بعد از فرونشستن سروصداهای اخیر، گزینه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را جدی‌تر مدنظر قرار دهند. اگر از سمت ایران به این ماجرا نگاه کنیم می‌بینیم که در صورت وقوع چنین سناریویی، آن وقت ممکن است ایران انگیزه کافی را برای تغییر سیاست‌های هسته‌ای غیرنظامی خود به دست آورد. در این خصوص می‌توان به سه دلیل اشاره کرد: نخست